

تأثیرات فرهنگی تربیتی مساجد با تکیه بر مساجد اصفهان و نیشابور

محمدحسین ریاحی

مقدمه

بی‌شک یکی از عوامل مهم و مؤثر در پیشبرد فرهنگ و تمدن اسلامی، در زمینه‌های آموزشی، تربیتی و فرهنگی، وجود مسجد بوده است. در منظر عام، مسجد معمولاً یکی از اصلی‌ترین کانون‌های عبادت و انجام اعمال و مراسم مذهبی بوده است؛ اما از تأثیر شگرف این مکان عبادی در توسعه‌ی آموزش و فرهنگ نمی‌توان گذشت. قبل از اینکه مدارس رسماً به دنیای اسلام وارد شوند، بار امور علمی و آموزشی بر دوش مساجد بود. از همان ابتدا، آموزش و تعلیم با مسجد مرتبط بود و در حقیقت مدارس از مساجد انشعاب یافتند؛ زیرا تعلیم و تربیت در دهه‌های اول تاریخ صدر اسلام با فرامین دینی در ارتباط بود و مسلمانان نیاز داشتند با معانی و مفاهیم مذهبی آشنا و به‌طور طبیعی برای فراگیری آن‌ها راهی مساجد شوند.

محتوای علمی مساجد

طبق منابع و متون تاریخی، نخستین مرکز تعلیم و تربیت در اسلام مسجد و محور آموزشی آن قرآن کریم بود؛ یعنی حفظ و درک مطالب قرآن شروع آموزش و فراگیری و مطالعه‌ی اخبار و احادیث نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ادامه‌ی آن بود. استاد جلال‌الدین همایی می‌نویسد: «در ابتدا مراکز تعلیم و محل درس مسلمانان مساجد بود. حوزه‌ها و حلقه‌های درس در جوامع و مساجد تشکیل می‌شد. احياناً مجالس مناظره نیز در همان مساجد بود که پاره‌ای از آن‌ها کتابخانه‌های عظیم نیز داشتند».^۱

از همان روزهای آغاز نهضت اسلامی، بسیاری از امور غیرعبادی نیز در مسجد انجام می‌شد. داوری، قضاوت، حل و فصل دعاوی، مسائل مهم و اساسی اجتماعی، مشورت و طرح جنگ، پذیرش وفود، اعزام نماینده به مکان‌های دیگر، اجتماع‌های عمومی، پرستاری از بیماران و مجروحان و اعلام وظایف حکومتی نیز در مسجد صورت می‌گرفت.^۲ دیدگاه عظیم اسلام و بینشی که ارائه کرد باعث شد سطح

^۱. تاریخ علوم اسلامی، ص ۳۶.

^۲. تاریخ آموزش در اسلام، ص ۹۰.

اجتماع در مسائل مختلف، از جمله مسائل فرهنگی، بالا رود. السباعی می‌نویسد:

اسلام امور دینی و دنیوی را با هم ارتباط می‌دهد و آن‌ها را با عقاید و افکار روشن و دقیق بیان می‌دارد و مسجد که مرکز عبادت و نیایش است، در طول تاریخ، مرکز زندگانی اجتماعی تمام مسلمانان نیز بوده است. بدین ترتیب، مسجد در چهارچوب حوزه‌ی خود، علاوه بر محل نیایش بودن، محل تجمع مردم، پناهگاه مسافران، محل توزیع غذا برای فقرا و وظیفه‌ی آموزش را نیز بر عهده داشته است.^۳

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز با سخنان و اعمال خود رویکرد علمی مسجد را تأیید می‌کردند. برای مثال، روزی ایشان وارد مسجد شدند و دیدند از جمع حضار دو حلقه تشکیل شده است؛ یک حلقه به ذکر و عبادت مشغول است و حلقه‌ی دیگر به تعلم و تعلیم. سپس، ایشان فرمودند: هر دو گروه کرداری نیک دارند؛ اما من برای تعلیم فرستاده شده‌ام؛ پس حضرت میان حلقه‌ای نشستند که به تعلم و تعلیم مشغول بودند.^۴

گسترش مسجdsازی

مؤلف کتاب «تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام» می‌گوید مسجد اساس دفاع از اصول و قواعد دینی و تعلیمات عالی اسلامی بوده است و تأثیری عمیق بر آن‌ها گذاشته است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هنگام ورود به مدینه، در محلی به نام «مربد»، مسجدی ساختند. گفته می‌شود حضرت در همان محل به طرفداران خود مسائل دینی و دنیوی را تعلیم می‌دادند. در واقع، مسجد مکانی مناسب بود برای تعلیم علوم دینی. با توسعه‌ی جهان اسلام، مساجد به سرعت در همه‌جا بنا شدند. حکومت افرادی را به مساجد مختلف می‌فرستاد تا قرآن و دیگر آموزه‌های دینی را تعلیم دهند. در زمان خلفای راشدین، این کار در سطح وسیع تری ادامه یافت و به بصره، کوفه، حمص، شام، فسطاط و شهرهای سرزمین‌های فتح شده کشیده شد. خلیفه‌ی دوم در انتصاب و اعزام والی برای بصره، کوفه، سوریه و مصر از آنان خواست در محل مأموریتشان مسجد بنا کنند.^۵

^۳. نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۹.

^۴. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۳۷.

^۵. تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

امام علی (علیه السلام) با خطبه‌ها و بیانات شیوا و آموزنده، در مساجدی مانند کوفه، مردم را آموزش و تعلیم می‌داد. در زمان ائمه‌ی معصوم (علیهم السلام)، به‌ویژه در دوران امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام)، آموزش و تعلیم به اوج رسید و مسجد اصلی‌ترین پایگاه معنوی و آموزشی بود. در عصر اختناق حکام اموی و عباسی، خانه‌های ائمه و پیشوایان مذهبی یا مساجد مراکز علمی و آموزشی شیعه بود. از آن پس، مدفن امامان و اهل بیت (علیهم السلام) - به‌خصوص شهرهایی چون کاظمین و سامرا در عراق و قم و مشهد در ایران - مرکز تجمع علمای شیعه و از حوزه‌های پررونق علوم اسلامی و معارف شیعی در دنیای اسلام شد.^۶

با گذشت زمان، شمار مساجد فزونی یافت و به‌طور طبیعی با گسترش این کانون‌های عبادی، علوم و آموزش نیز توسعه پیدا کرد. یعقوبی اظهار داشته است که در قرن سوم هجری، در شهر بغداد، سی‌هزار مسجد وجود داشته است.^۷ تعداد مساجد مصر به اندازه‌ی عراق و حجاز نبود؛ ولی آن‌ها هم از حیث آموزشی قابل توجه بودند. ابن جبیر، سیاح معروف، درباره‌ی مساجد اسکندریه می‌گوید:

این شهر افزون‌تر از هر شهر دیگر خدا مسجد دارد؛ تا بدان جا که تخمین مردم درباره‌ی تعداد مساجد آن متفاوت است؛ برخی بیشتر و برخی کمتر گویند. آن که بیش گوید تخمینش به دوازده‌هزار باب مساجد می‌رسد و آنان که کم گویند متفاوت‌اند: پاره‌ای گویند هشت‌هزار باب است و پاره‌ای رقمی جز این گویند و به‌رحال مسجدهای آن شهر بسیار و افزون از شمار است؛ چنان‌که چهار یا پنج مسجد در یک جا دیده می‌شود و چه بسا چند مسجد ترکیب شده و مجموعه‌ای تشکیل داده باشد. تمام این مساجد را پیشنهادکنندگان که از جانب سلطان شهریه دارند.^۸

با بررسی نقش مساجد در آموزش و تعلیم و تربیت در اسلام در می‌یابیم که تقریباً در همه‌ی مناطق جهان اسلام، به‌ویژه غرب اسلامی، این تأثیر محسوس بوده است و حتی در اندلس هم مصداق داشته است. مسلمانان اسپانیا نیز در مساجد به تعلیم و تربیت مشغول بودند. مقری، مورخ مشهور اندلسی، می‌نویسد: مردم اندلس مدارس مستقل ندارند که بتواند در کسب دانش آنان را یاری کند. آنان با پرداخت اجرت

^۶. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۹.

^۷. البلدان، ص ۹.

^۸. سفرنامه ابن جبیر، ص ۷۴.

شاخه‌های علوم را در مساجد یاد می‌گیرند. این مورخ همچنین از کار تدریس خود در جامع قرطبه، نخله و زاهره سخن می‌گوید.^۹ معمولاً، در مساجد جایگاه‌هایی برای تدریس وجود داشت، از جمله قسمتی به نام صفة در مسجد مدینه یا در برخی مساجد ایران، مانند مسجد جامع اصفهان.

یکی از مدرسان معروف مسجدالنبی عبداللّه بن سعید بن عاص بود. وی اولین معلمی بود که در این مسجد آموزش خط می‌داد. او در دوره‌ی جاهلیت از کاتبان معروف عرب بود و به دستور پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مأمور آموزش هنر، خطاط و قرآن شد. با این همه، تدریس و بحث در زمینه‌ی مسائل دینی و علمی، حتی در زمان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، به این مسجد محدود نبود. در مدینه مساجد کوچک‌تر و محدودتری نیز وجود داشت که فعالیت آموزشی می‌کردند.^{۱۰}

از اواخر دهه‌ی دوم هجری، با افزایش چشمگیر فتوحات مسلمانان، مرزهای اسلام از شرق و غرب گسترش یافت و جمع کثیری به آئین اسلام گرویدند که در زبان و نژاد با اعراب مسلمان متفاوت بودند. از این زمان، آموزش زبان عربی برای درک معانی آیات قرآن و تعالیم اسلامی، در سرزمین‌های فتح‌شده، آغاز شد. آن دسته از اصحاب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و تابعان ایشان که دعوت به اسلام و تعلیم مبانی دین را به حضور در صحنه‌های پیکار ترجیح می‌دادند، در مساجد نویناد به آموزش پرداختند. نخست، این مساجد در شهرهای کوفه، بصره، حیره و مداین بنیاد گردید. مسجدالحرام در مکه، مسجدالنبی در مدینه، دو جامع بصره و کوفه، جامع ری، جامع عمرو در فسطاط مصر، مسجدالاقصی و قبه‌الصخره در بیت‌المقدس، جامع اموی دمشق، جامع زیتونه در تونس و جامع قیروان در مراکش از مراکز مشهور آموزش اسلامی بودند.^{۱۱}

مساجد ایران

مساجد برخی شهرهای ایران در عرصه‌ی تمدن اسلامی و امور آموزشی فعال و پرثمر بودند؛ از جمله جامع سیستان، مسجد جامع ری، مسجد عتیق شیراز، مسجد جامع اصفهان و برخی مساجد بخارا، نیشابور، مرو، هرات و تبریز. در اینجا، مناسب است از نقش آموزشی و تربیتی دو شهر مهم تاریخی ایران، اصفهان و

^۹ . تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۳۱.

^{۱۰} . تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، ص ۶۴.

^{۱۱} . تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۵ و ۶.

نیشابور، یاد کنیم. از جمله مساجد اصفهان که در تعلیم و تربیت فعال بودند مسجد جامع کبیر (عتیق)، جامع صغیر (جورجیر) و جامع عباسی بود - البته این مساجد هنوز بر جای مانده‌اند. در مورد نیشابور نیز می‌توان از جامع عتیق، مسجد جامع منیعی و مسجد عقیل یاد کرد - متأسفانه این مساجد دیگر پابرجا نیستند.

مساجد اصفهان

۱. مسجد جامع کبیر (عتیق)

به نوشته‌ی ابونعیم اصفهانی، چند سال پس از هجرت، منصور - خلیفه‌ی عباسی - ایوب بن زیاد را به‌عنوان عامل خراج و سعید بن منصور حمیدی را به‌عنوان امیر جنگ به اصفهان فرستاد. پس از برکناری سعید بن منصور، ایوب بن زیاد که مسئول جمع‌آوری مالیات و امور جنگی شده بود، در قریه‌ی خشینان منزل گزید. وی کاخی بر کرانه‌ی رودخانه‌ی فرسان و مسجدی در جوار آن، که مقصوره هم داشت، بنا کرد و در آنجا منبری نیز قرار داد. همچنین، برای تجار، کسبه و کارگران طرح بازاری ریخت که جنب یهودیه ساخته شد، در مکانی معروف به صف‌التباین (بازار کاه‌فروشان). در روزگار ولایت ایوب بن زیاد، خانه‌های یهودیه به خانه‌های قریه‌ی خشینان متصل شد. پس از برکناری ایوب، اعراب قبیله‌ی یتم، که ساکن قریه‌ی طهران در حومه‌ی اصفهان بودند، مسجد جامع بزرگی در یهودیه بنا کردند و در سال ۱۵۶ ه.ق منبر مسجد ایوب بن زیاد را به آنجا انتقال دادند.^{۱۲} پس از بنای مسجد جامع، یهودیه از طرف صحرا گسترده شد و پانزده ده به آن اضافه گردید. با وسعت یافتن یهودیه، مردم به توسعه‌ی مسجد پرداختند. خصیب بن سلم زمین‌هایی معروف به خصیب‌آباد را به مسجد افزود. در سال ۲۲۶ ه.ق، در زمان خلافت معتصم عباسی و امارت یحیی بن عبدالله بن مالک خزاعی، مسجد جامع تجدید بنا شد و بر مساحت آن افزوده شد.^{۱۳}

در قرن‌های اولیه‌ی اسلامی، علاوه بر نقش عبادی، این مسجد نقش آموزشی قابل توجهی نیز داشت. مافروخی در کتاب «محاسن اصفهان»، در باب اهمیت جامع این شهر، می‌نویسد: برای اقامه‌ی هر نماز، کمتر از پنج‌هزار در آنجا گرد نمی‌آمد و در کنار هر جرزی مسند شیخی بود که گروهی از طالبان علم دور او را می‌گرفتند و به تحصیل علم یا تهذیب نفس اشتغال داشتند. آراستگی این بنا به واسطه‌ی مناظره‌ی فقها، مباحثه‌ی علما، مجادله‌ی متکلمان و پندهای واعظان بود. در آنجا، صوفیان و علما و کسانی

^{۱۲}. ذکراخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۵ و ۳۷ و ترجمه‌ی ذکر اخبار اصفهان، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

^{۱۳}. ترجمه‌ی ذکر اخبار اصفهان، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

دیده می‌شوند که به حال عبادت در مسجد اقامت گزیدند و با تسبیح و دعا زندگی را می‌گذرانند.^{۱۴}

یکی از مراکز مهم علمی و مکان‌های حضور علما و دانشمندان در عصر آل بویه همین مسجد بوده است. افرادی مانند صاحب‌بن‌عباد و ابوالعباس ضبی در این مسجد سرمایه‌گذاری کردند. مرحوم همایی اعتقاد دارد کتاب‌های بسیاری از صاحب، که کتابخانه‌ی شخصی بزرگ و ارزشمندی داشت، به این جامع منتقل شده است.^{۱۵} باتوجه‌به مراتب علمی و معنوی صاحب‌بن‌عباد، وی به تدریس و تعلیم شاگردان در مسجد جامع اشتغال داشت و ایوان جنوبی مسجد هنوز به نام صفه‌ی صاحب معروف است.^{۱۶}

در همین دوره (آل بویه)، مسجد جامع عتیق اصفهان نیز شاهد رفت‌وآمد علما و دانشمندان فرق و مذاهب اسلامی و گفتگو و مباحث آنان بود. درباره‌ی عالم معروف، حافظ ابونعیم اصفهانی، نقل شده است: از روزگار ابو‌عبدالله منده تا سال‌ها پس از درگذشت او، ابونعیم از ورود به مسجد جامع اصفهان و تشکیل درس و وعظ منع می‌شد. در این اثنا، در سال ۴۲۱ ه.ق، مسعود غزنوی به اصفهان تاخت و کشتارها کرد. روزی بسیاری از مردم به مسجد جامع رفتند، درحالی‌که ابونعیم از رفتن به آنجا منع شده بود، سپس سپاهیان مسعود به مسجد یورش بردند و همه را کشتند. بدین سان، ابونعیم از مرگ حتمی ایمن ماند.^{۱۷}

دگرگونی‌هایی که در جامع کبیر، در عصر سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی، به‌وجود آمد باعث شد تا این مسجد شکوهی خاص پیدا کند. مسجد جامع اصفهان که در قرن اول هجری و به سبک عربی بنا شده بود، در دوره‌ی سلاجقه، بسیار دگرگون شد و به‌صورت مسجیدی چهارایوانه درآمد.^{۱۸}

یکی از مهم‌ترین آثار به‌جامانده‌ی عهد ملک‌شاه در اصفهان، گنبد خواجه نظام‌الملک در جنوب مسجد جامع اصفهان است که بر کتیبه‌ی آن نام پادشاه و خلیفه‌ی وقت و نیز خواجه نظام‌الملک حک شده و ظاهراً در سال ۴۷۳ ه.ق به پایان رسیده است. اثر دیگر، گنبد تاج‌الملک در شمال مسجد جامع است. این گنبد از آثار آخرین وزیر ملک‌شاه ابوالغنائم تاج‌الملک، در سال ۴۸۱ ه.ق، است که معماری آن از نظر

^{۱۴} . ترجمه‌ی محاسن اصفهان، ص ۶۲.

^{۱۵} . مقاله‌ی «هفدهمین سال آتش‌سوزی جامع اصفهان»، کیهان فرهنگی، شماره‌ی ۱۲۳، ص ۶۳ و جلوه‌های هنر در اصفهان، ص ۲۲۸.

^{۱۶} . گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۳.

^{۱۷} . ترجمه‌ی ذکر اخبار اصفهان، ص ۳۰.

^{۱۸} . آثار ایران، ج ۴، ص ۴۶.

باستان‌شناسان شگفت‌انگیز است.^{۱۹} این آثار از جلوه‌های برجسته‌ی هنر سلجوقی محسوب می‌شود که با گذشت نزدیک به هزار سال همچنان عظمت خاصی به این جامع بخشیده است.

در همین دوره، نقش آموزشی و تربیتی مسجد جامع اصفهان ملموس بود. این مسجد در کنار تدریس و تحصیل، کتابخانه‌ی بزرگی نیز داشت. عظمت دارالکتاب به حدی بود که نویسنده‌ی محاسن اصفهان، پس از بیان موقعیت جامع اصفهان، کتابخانه‌ی آن را این‌گونه توصیف می‌کند:

در آنجا کتاب‌ها را چیده و فنونی از دانش بدان جاویدان ساخته‌اند. تفاسیر و غرائب حدیث و مؤلفات در نحو و فقه و تصریف و ابنیه حرف می‌باشد و نیز در آن از دیوان‌ها و اشعار برگزیده و اخبار و گزیده‌ای از تاریخ پیغمبران و خلفا و کارنامه‌ی پادشاهان و امیران موجود است و مجموعه‌هایی از علوم اوایل از منطق، ریاضی، طبیعی، الهی و غیر از آن خبرهایی نیز که جویای فضل و ممیز دانش و نادانی بدان‌ها احتیاج پیدا می‌کنند همه وجود دارد.^{۲۰}

اما در سال ۵۱۵ ه.ق، یعنی حدود سی سال پس از قتل خواجه نظام‌الملک و در گذشت ملک‌شاه، این کتابخانه‌ی بزرگ و مهم را باطنیان، که از دشمنان حاکمیت سلجوقی بودند، شبانه آتش زدند. در آتش‌سوزی همه‌ی توابع مسجد سوخت؛ برای مثال، کتابخانه‌ها.^{۲۱} ابن‌اثیر مسجد جامع اصفهان را بزرگ‌ترین جامع‌ها و باشکوه‌ترین مساجد در دنیای اسلام قلمداد کرده است.^{۲۲}

الحاقاتی که در مسجد جامع عتیق اصفهان صورت گرفت - که به‌عنوان مدرسه هم بود - به دوران آل مظفر مربوط است. به استناد کتیبه‌ها، این بنا در زمان حکومت قطب‌الدین شاه محمود، فرمانروای اصفهان، بین سال‌های ۷۵۷ و ۷۷۶ بنا گردید.^{۲۳} مدرسه‌ی مظفری، به ابعاد ۶۵×۲۵ متر، صحن بزرگ مستطیل شکلی دارد.^{۲۴} با توجه به این مطالب، می‌توان حدس زد در قرن ششم و نهم هجری نیز، با وجود ایجاد مدرسه‌ی مظفری، رونق این مسجد چشمگیر بوده است. در عصر صفوی نیز، چه پیش از پایتختی اصفهان و چه پس از آن، مسجد جامع در توسعه‌ی امور علمی و فرهنگی شهر اصفهان نقش مؤثری داشت.

^{۱۹} . آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۵۲.

^{۲۰} . ترجمه‌ی محاسن اصفهان، ص ۶۳.

^{۲۱} . گنجینه‌ی آثار، ص ۷۹.

^{۲۲} . الکامل، ج ۶، ص ۵۷۶.

^{۲۳} . گنجینه آثار، ص ۱۳۶ و ۱۴۶.

^{۲۴} . دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۲۰۹ و ۲۱۰.

این نهاد عبادی- آموزشی محل اجتماع دانش‌پژوهان بود و عده‌ای از علما و دانشمندان آن دوره در آنجا کلاس درس، بحث، وعظ و خطابه داشتند؛ از جمله شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی. وی، که قریب به صد سال عمر کرد، از شیخ عبدالعالی محقق کرکی روایت‌های بسیاری آورده است و جمعی از دانشمندان نیز از وی روایت‌هایی آورده‌اند که نامورترین آنان محمدتقی مجلسی بوده است. ملا محمدتقی مجلسی و فرزندش، علامه ملا محمدباقر مجلسی، به این مسجد از جهت علمی رونق ویژه‌ای بخشیدند.^{۲۵}

مجالس تدریس مجلسی نیز نخست در این مسجد برپا شد. ملا محمدباقر نیز پس از فوت پدر در این مکان تدریس کرد و به جای او اقامه‌ی جماعت کرد. محل درس مجلسی دوم در چهل‌ستون مسجد، در زاویه‌ی جنوب غربی، قرار داشت و هنوز مردم اصفهان آن قسمت از مسجد را مدرس مجلسی می‌نامند.^{۲۶} بیشتر مطالعات و فعالیت‌های علمی علامه محمدباقر مجلسی در زمینه‌ی حدیث و فقه بود. همچنین، او در این مسجد نماز جمعه برپا می‌داشت.^{۲۷} تلاش علمی مجلسی و تدریس و تعلیم او زمان نمی‌شناخت.^{۲۸} شاید یکی دیگر از علل جنب‌وجوش علمی این جامع، در عصر ملا محمدتقی و ملا محمدباقر مجلسی، نزدیکی منازل آن‌ها به جامع اصفهان بود. این خانه تا حدود سی سال پیش باقی مانده بود؛ اما در حال حاضر عمده‌ی آن خراب شده است و فقط قسمتی از آن بر جای مانده است. علمای دیگری نیز در این باره تلاش‌های زیادی کرده‌اند.^{۲۹} شاه عباس دوم ملامحسن فیض کاشانی را که در کاشان اقامت داشت به اصفهان دعوت کرد و امامت مسجد جامع اصفهان را به او داد و خود نیز در نماز جماعت به او اقتدا کرد.^{۳۰} با توجه به توانایی فوق‌العاده‌ی فیض کاشانی در علوم اسلامی، وجودش در این مسجد باعث برکات علمی و معنوی بسیاری شد.

۲. مسجد جامع صغیر (جورجیر)

یکی از مساجد مهم و مؤثر در امور فرهنگی و آموزشی، در قرون اولیه‌ی اسلامی، مسجد جورجیر بود. برخی اعتقاد دارند، چون این مسجد در محله‌ی رنگرزان واقع شده بود، به جامع رنگرزان نیز مشهور بود و

^{۲۵} . تذکره القبور، ص ۲۲۱.

^{۲۶} . علامه مجلسی، ص ۲۱.

^{۲۷} . همان، ص ۲۰۳.

^{۲۸} . زندگینامه‌ی علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۸۵.

^{۲۹} . علامه مجلسی، ص ۴۶۶.

^{۳۰} . روضة الصفای ناصری، ج ۸، ص ۵۸۵.

صاحب بن عباد، ملقب به کافی الکفات، در قرن چهارم آن را بنا کرده بود. با توجه به سخنرانی‌ها و گفتارهای شیخ ابومسعود صوفی رازی، عالم معروف اهل سنت در قرن سوم در این مسجد، می‌توان بنای مسجد را به قبل از دولت آل بویه مربوط دانست.^{۳۱} مسجد جامع جورجیر کوچک‌تر ولی زیباتر از جامع کبیر بود. بیشترین شکوه آن، به‌ویژه از حیث رونق آموزشی و علمی، در زمان بویه عیان بود. مؤلف محاسن اصفهان از جنب و جوش علمی این مسجد، امکانات آن و شبستان‌ها، خانقاه‌ها، کتابخانه، مدارس برای فقها، مجالسی برای ادبا و محل‌هایی برای شاعران، صوفیان و قاریان قرآن یاد کرده است.^{۳۲} خاک رسی که از آن جامع جورجیر ساخته شده بود، محکم‌تر از خاک جامع عتیق بود، منار آن یکصد ذراع ارتفاع داشت و ساختمان‌های آن محکم و مرتفع بود. جامع جورجیر یا رنگرزان بر اثر مرور زمان ویران شد. حکیم داود هندی روی مسجد جورجیر مسجد حکیم یا تقرب خان را در زمان شاه عباس دوم صفوی بنا کرد. از جامع جورجیر فقط سردری باقی مانده است که در سال ۱۳۳۵ شمسی از زیر خاک بیرون آورده شد.^{۳۳} ابو عبدالله محمد بن یوسف بن معدان جورجیری، محمد بن حسن جورجیری، ابو جعفر محمد بن عمر بن حفص جورجیری و ابوالقاسم طاهر بن محمد بن احمد عکلی جورجیری از جمله شخصیت‌هایی بودند که به این مسجد یا محل رفت و آمد داشتند.^{۳۴}

تغییرهایی که طیب شاه عباس دوم، حکیم داود هندی، در مسجد انجام داد بسیار قابل توجه بود و به‌نظر می‌رسد این تحولات در سال ۱۰۷۳ به پایان رسید. با توجه به رونق علمی عصر صفوی در اصفهان، احتمال می‌رود برخی مدرسه‌ها و حجره‌های آن برای آموزش مسائل علمی، به‌ویژه دانش‌های شیعه‌ای امامیه، استفاده می‌شد. در دوران فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار نیز علمای معروف شیعه در آنجا حضور داشتند؛ مانند علامه ملا محمد ابراهیم کلباسی. اکنون بقعه‌ی این عالم ربانی مقابل در شرقی جامع جورجیر یا مسجد حکیم واقع شده است. حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب نیز سال‌ها در این مسجد تدریس می‌کردند.^{۳۵}

^{۳۱} . خلدبرین، ص ۱۹۱ و ۱۹۵ و فضائل امام علی (علیه السلام)، ص ۱۷ و ۱۸.

^{۳۲} . ترجمه‌ی محاسن اصفهان، ص ۶۳ و ۶۴.

^{۳۳} . همان و آثار ملی اصفهان، ص ۱۵۱.

^{۳۴} . آثار ملی اصفهان، ص ۱۵۱ و ۱۵۲.

^{۳۵} . مجموعه ارباب معرفت، ص ۵۷.

۳. مسجد جامع عباسی

این نهاد عبادی یکی از مهم‌ترین بناهای عصر صفویه بود. در گذشته، این مسجد به نام‌های مسجد شاه، مسجد سلطانی جدید و جامع عباسی شهرت داشت و امروزه به مسجد امام معروف است. در کتب تاریخی مشهور عهد صفوی، مانند عالم آرای عباسی و وقایع السنین و الاعوام، این مسجد به مسجد جامع عباسی و مسجد جامع جدید عباسی (سلطانی) معروف است.^{۳۶} این بنا در ضلع جنوبی میدان نقش جهان قرار دارد. ویژگی‌های معماری، تزیین‌های غنی و آثار نفیس باعث شده است تا مسجد جامع از جمله برجسته‌ترین آثار معماری ایران و تمدن اسلامی باشد. ساخت این مسجد، در سال ۱۰۲۰ ه.ق، به دستور و هزینه‌ی شاه عباس اول و معماری استاد علی‌اکبر اصفهانی آغاز شد و کارهای تزیینی آن تا بعد از مرگ شاه عباس اول (۱۰۳۸ ه.ق) ادامه یافت.^{۳۷} در این مسجد عظیم، دو مرکز علمی یا نهاد آموزشی قرار دارد که به آن‌ها مدارس واقع در مسجد جامع عباسی نیز گفته می‌شود. این مدارس عبارتند از:

۱. **مدرسه‌ی سلیمانیه:** در گوشه‌ی جنوب غربی مسجد، مدرسه‌ای واقع شده است که با دو مدخل بزرگ به صحن مسجد و سه مدخل بزرگ دیگر به محوطه‌ی زیر گنبد غربی مسجد متصل می‌شود؛ این مدرسه سلیمانیه نام دارد. سردر این مدرسه، به سمت کوچه‌ی پشت مسجد، کتیبه‌ای از اولین سال سلطنت شاه سلیمان صفوی دارد. این کتیبه که به خط ثلث سفید و بر زمینه‌ی کاشی لاجوردی نوشته شده است، به قلم محمدرضا امامی و مورخ ۱۰۷۸ ه.ق است؛^{۳۸} به همین علت آن را سلیمانیه نامیده‌اند. این نهاد آموزشی قرینه‌ی مدرسه‌ی عباسی (ناصریه) است، حجره‌ای ندارد و اطراف آن غرفه‌هایی قرار دارد که در داخل و خارج با کاشی‌های هفت‌رنگ تزیین شده است.^{۳۹} در این مدرسه، قطعه سنگی ساده، به شکل شاخص، در محلی معین تعبیه شده است که ظهر حقیقی اصفهان را در چهار فصل نشان می‌دهد. همچنین، می‌گویند محاسبه‌ی آن را شیخ بهایی، دانشمند و فقیه و ریاضیدان معروف عهد شاه عباس، انجام داده است.^{۴۰} همچون بیشتر مدارس عهد صفوی، مدرسه‌ی سلیمانیه نیز به آموزش‌های مذهب شیعه‌ی اثنی‌عشری

^{۳۶} . وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۰۷ و عالم آرای عباسی، ج ۳، ص ۱۶۷۷.

^{۳۷} . گنجینه‌ی آثار، ص ۴۳۷.

^{۳۸} . همان، ص ۴۵۷.

^{۳۹} . گنجینه‌ی آثار، ص ۴۵۴.

^{۴۰} . آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۸۰.

اختصاص داشت. از جمله علمای عصر صفوی که از شاگردان ملا محمدباقر مجلسی بود و در این نهاد آموزشی تحصیل می کرد، مولانا جمشید کسکری بود.^{۴۱}

۲. مدرسه‌ی عباسی (ناصریه): در گوشه‌ی جنوب شرقی مسجد، مدرسه‌ی عباسی قرار دارد. به دلیل اینکه در عصر ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق)، در آن تعمیراتی انجام شد، به آن مدرسه‌ی ناصری نیز می گویند.^{۴۲} براساس کتیبه‌های تاریخی، تزیین‌های کاشی‌کاری و کتیبه‌های آن مربوط به دوره‌ی شاه عباس دوم است.^{۴۳} در ضلع شرقی این مدرسه، چند حجره برای سکونت طلاب ساخته شده است؛ درحالی که مدرسه‌ی سلیمانیه حجره‌ای نداشت. ایوان جنوبی مدرسه‌ی عباسی لوح‌ها و کتیبه‌هایی دارد که روی آن‌ها صلوات بر چهارده معصوم نوشته شده است و به خط محمدرضا امامی، به سال ۱۰۷۷ ه.ق، هستند.^{۴۴} کتیبه‌ی داخل محراب این مدرسه - که به دوره‌ی شاه سلیمان صفوی مربوط می‌شود - به خط ثلث سفید، بر زمینه‌ی کاشی لاجوردی و به قلم محسن امامی، به سال ۱۰۹۵ ه.ق، است. این مدرسه در عهد شاه عباس اول و به منظور تعلیم مذهب شیعه‌ی امامیه، به ویژه تعلیم حدیث و فقه، تأسیس شد و در دوره‌ی قاجاریه نیز رونق بسیاری داشت؛ به دلیل نزدیکی به منازل علمای خاندان نجفی، معروف به مسجد شاهی.^{۴۵} برخی حجره‌های این مدرسه در دست تعدادی طلاب سالخورده بود و کمتر از آن استفاده‌ی علمی می‌شد.

مساجد نیشابور

از اوایل قرون هجری تا قرن ششم و حتی پیش از حملات مغول، مساجدی فعال و متعدد در شهر تاریخی نیشابور وجود داشت؛ از جمله جامع منیعی، مسجد جامع عتیق، مسجد خان الفرس، مسجد خبازی، مسجد الصرافین (اصفهان‌نی)، مسجد عقیل و مسجد نوقانی. با بررسی تاریخ نیشابور، می‌توان به نقش این مساجد پی برد. در ادامه، به سه مسجد مهم اشاره می‌کنیم:

^{۴۱} . علامه مجلسی، ص ۳۳۸.

^{۴۲} . تاریخ مدارس ایران، ص ۲۶۷.

^{۴۳} . گنجینه‌ی آثار، ص ۴۵۴.

^{۴۴} . همان .

^{۴۵} . تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، ص ۳۰۴.

۱. مسجد عتیق یا مسجد جامع نیشابور

این بنا را ابو مسلم خراسانی ساخته است که البته در حال حاضر هیچ اثری از آن در دست نیست. این مسجد، جامع بسیار بزرگی بود که در سی هزار متر زمین با هزار ستون ساخته شده بود و در میان سرا حوض و یخچال داشت. همچنین، در آن بنای کوچکتری با دوازده ستون و پایه بود که شش ستون آن مرمری، دو ستون آن چوبی و چهار تای دیگر آجری بود. این بخش گنبدی مُذهب به بیست هزار مثقال طلا داشت. این مسجد مناری کوتاه داشت که در زمان منصور بن طلحة بن طاهر، برادرزاده‌ی عبدالله بن طاهر (حاکم نیشابور)، منار قوی‌تر و بلندتری جایگزین آن شد. عمرو لیث صفاری، در زمان حکومت خود، منار را برانداخت و منار دیگری جایگزین آن کرد و نام و لقب خود را بر آن نگاشت. سپس، خمارتگین به جای آن مناره‌ها مناری ساخت که نظیر نداشت. این منار چنان بلند بود که با قدرت باد تکان می‌خورد، اما آجری از آن نمی‌افتاد. این مسجد همچنین منبری بسیار بلند و باشکوه دارد.^{۴۶}

این مسجد نقش عمده‌ای در گسترش علوم اسلامی ایفا کرد و تا قرن پنجم کانونی برجسته در شرق اسلامی بود. مؤلف «تاریخ نیشابور» نام بسیاری از افرادی را که در این مسجد تحصیل می‌کردند، تدریس می‌کردند یا مجلس وعظ و خطابه داشتند ذکر کرده است؛ از جمله: ابوالحسن الاسماعیلی السراج، ابو حامد الکراییسی القاضی، ابوبکر بن خلف شیرازی، ابومحمد الحیری البزاز، اسماعیل بن احمد الکرمانی، ابوابراهیم سراجی، شعیب بن محمد بن جعفر حنیفی واعظ، ابومحمد المطوعی، عبدالله بن ابی سهل قاری مؤذن، عبدالرحمن بن حمدان بن محمد بن حمدان نصروی، عبدالرحمن بن جنید ابونصر حاکم حنیفی، عمر بن محمد بن احمد بن جعفر ابوعبدالرحمن بحیری و نیز خانمی به نام نمار، دختر ابی حسین احمد بن عبدالرحمن کیال.^{۴۷}

جامع نیشابور کتابخانه‌ی ارزشمندی نیز داشت. یاقوت حموی در این باره می‌گوید: در جامع قدیم نیشابور کتابخانه‌ای موقوفه و مخصوص مسلمانان وجود داشت که در قرن پنجم ساخته شده بود. وی کتاب‌های این کتابخانه را نفیس و نادر توصیف کرده است. البته، گزارش یاقوت پیش از ورود مغولان به

^{۴۶} . دایره‌المعارف بناها مساجد تاریخی ایران، ص ۱۲۳.

^{۴۷} . تاریخ نیشابور.

این شهر و ویرانی آن بوده است.^{۴۸} همچنین، مؤلف «معجم الادباء» در شرح محمد بن اسحاق بن علی بن داود زوزنی می‌نویسد:

سوگند می‌خورم به خدا که از کتاب غریب الحدیث نسخه‌ای روشن‌تر و جالب‌تر از نسخه‌ی عبدالغافر باقی نمانده است. این نسخه هم‌اکنون در اختیار گنجینه‌ی کتب موجود در مسجد جامع قدیمی شهر قرار گرفته تا وقف بر مسلمین باشد و کسانی که بخواهند به درستی ادعای من پی ببرند باید به تحقیق و بررسی در مورد آن پردازند.^{۴۹}

۲. مسجد جامع عقیل

این مسجد جامع به جامع عقیل معروف بود. بعدها جایگاهی به‌نام مدرس و مدرسه بر آن افزوده شد و شخصی به‌نام مسعود بن ناصر شجری این مرکز علمی را بنیان کرد و کتابخانه‌ای نیز در آنجا ساخت. تعداد دانش‌آموختگان و مدرسان این مسجد کم نبوده است. مسلماً از مناطق مختلف جهان اسلام نیز به آنجا می‌آمدند و احکام شرعی و اخبار روایی را می‌آموختند. در «المنتخب من سیاق تاریخ نیشابور» نام برخی از افرادی که در این مسجد تعلیم دیده‌اند یا تعلیم داده‌اند آمده است؛ از جمله: محمد بن احمد بن محمد بن جعفر الفامی شادیاخی (از مشایخ علمای نیشابور)، ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مهران (معروف به امام ابواسحاق اسفرائینی)، اسماعیل بن عبدالغافر بن محمد فارس (معروف به ابو عبدالله فارسی)، حسین بن محمد بن محمود (مشهور به ابوسعید بن سوره)، عبدالقاهر بن طاهر بن محمد (معروف به ابو منصور بغدادی و از علمای مبرز در علوم مختلف؛ مانند فقه، اصول، ادبیات و حساب) و الشیخ امام الحافظ مجدالدین ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل فارسی.^{۵۰}

در منابع متعددی از کتابخانه‌ی عظیم این مسجد نام برده شده است. بانی کتابخانه‌ی مسجد عقیل مسعود بن ناصر بن ابی زید شجری (سجزی) مکنی به ابوسعید، محدث و جهانگرد شهیر اهل سیستان بود. این مرد مدتی در بغداد ساکن بود و نزد شیوخ حدیث درس آموخت و نیز برای اخذ حدیث به واسط، هرات، نیشابور، سیستان و برخی نقاط دیگر مسافرت کرد.^{۵۱} کتابخانه‌ی عظیم این مسجد در فتنه‌ی نیشابور نابود شد

^{۴۸} . معجم الادباء، ج ۱۸، ص ۲۰.

^{۴۹} . همان، ص ۱۹ و ۲۱.

^{۵۰} . تاریخ نیشابور.

^{۵۱} . تاریخ کتابخانه‌های مساجد ایران، ص ۷۱.

و به تاراج رفت. در این باره آمده است: پس از کشتار و خرابی ناشی از حمله‌ی غزان، بین علویان و شافعیه چنان فتنه‌ی عظیمی بروز کرد که بسیاری از شافعیه کشته شدند. خانه‌ی امام‌الحرمین، بازارها و مساجد بسیاری سوختند و دروس شافعی در نیشابور تعطیل شد. پس از آن، مؤید آی به به نیشابور تاخت و جمعی از اهل فساد و کسانی که غارت و تخریب کرده بودند را کشت. در این وقایع، نیشابور به کلی ویران شد و مسجد عقیل، که مجمع اهل علم بود، با کتابخانه‌ی آن و هشت مدرسه از حنفیه و هفده مدرسه از شافعیه به کلی خراب شد. پنج کتابخانه نیز به تاراج رفت و کتاب‌های آن به ناچیزترین بها فروخته شد.^{۵۲}

۳. مسجد جامع منیعی

از دیگر پایگاه‌های علمی مطرح در خراسان و نیشابور مسجد جامع منیعی بود. در این نهاد عبادی، مجالس درس و بحث و حلقه‌های علمی رونق داشت. بعید نیست جایگاه این مسجد، که آن را جامع جدید نیز نامیده‌اند، همین مسجد جامع فعلی نیشابور باشد که بعدها، در سال ۸۹۹ ه.ق، پهلوان علی بن یزید مجدداً آن را ساخت.^{۵۳} به هر حال، در قرن پنجم و ششم نیز این جامع کانون برجسته و فعال علمی و آموزشی بود. استاد جلال‌الدین همایی جامع منیعی را از بناهای ابوعلی حسان بن سعد نیشابوری می‌داند.^{۵۴} برخی عالمان و متعلمان جامع منیعی عبارتند از: محمد بن عبدالجبار بن علی (معروف به امام ابوالقاسم الاسکاف اسفراینی)، محمد بن اسماعیل بن احمد حسنویه (معروف به ابو عبداللّه مقری)، محمد بن عبدالرحمن ابوالفضل العمید الخشاب، محمد بن عبداللّه بن طاهر الروقی طوسی، احمد بن محمد بن اسماعیل (مشهور به ابوالحسن شجاعی)، اسماعیل بن عمر بن محمد (معروف به ابوسعید بحیری)، اسحاق بن ابوسعید بن حمود صوفی (مشهور به ابوالقاسم مقری)، اسعد بن حمود بن علی عتبی کاتب، حسان بن سعید (مشهور به ابوعلی منیعی)، عبداللّه بن احمد شافعی سمسار (معروف به ابو محمد مصاحفی جامعی) و تعداد قابل توجه دیگری که نامشان در منابعی مانند تاریخ نیشابور ذکر شده است.^{۵۵}

^{۵۲} . مدارس نظامیه، ص ۸۴

^{۵۳} . دایره‌المعارف بناها مساجد تاریخی ایران، ص ۱۳۲.

^{۵۴} . تاریخ علوم اسلامی، ص ۳۶.

^{۵۵} . تاریخ نیشابور.

منابع

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۲. ابن جبیر، محمد بن احمد، ترجمه‌ی پرویز اتابکی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ش.
۳. ابن جوزی، المنتظم فی التاریخ الملوک و الامم، حیدرآباد، دایره‌المعارف العثمانیه، طبعه‌ الاولی، ۱۳۵۷ق.
۴. ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، تحقیق: سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۵. ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه‌ی دکتر سید نورالله کسای، تهران، سروش، ۱۳۷۷ش.
۶. بیان اصفهانی، خلد برین (تاریخ گویندگان اسلام)، اصفهان، چاپخانه‌ی عالی، بی تا.
۷. ترکمان، اسکندر بیک‌مشی، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷ش.
۸. جلوه‌های هنر در اصفهان، به کوشش جمعی از نویسندگان، تهران، جاززاده، ۱۳۶۶ش.
۹. حموی، یاقوت، معجم‌الادباء، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، الطبعه‌ الاولی، ۱۴۰۸ق.
۱۰. خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الامم، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، ۱۳۵۲ش.
۱۱. خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، ترجمه‌ی محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۶ش.
۱۲. داغ، محمد، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام (قرن ۱ و ۶)، ترجمه‌ی دکتر علی اصغر کوشافر، تبریز، چ ۲، ۱۳۷۴ش.
۱۳. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد نهم، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۱۴. دایره‌المعارف بناهای تاریخی در دوره‌ی اسلامی (مساجد تاریخی ایران)، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۱۵. درانی، کمال، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۶ش.
۱۶. دوانی، علی، علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰ش.
۱۷. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، آثار ملی اصفهان، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲ش.
۱۸. ریاحی، محمدحسین، فضایل امام علی علیه‌السلام، قم، نشر خرم، ۱۳۷۹ش.

۱۹. ریاحی، محمد حسین، مقاله «نهصدمین سال آتش سوزی مسجد جامع اصفهان و کتابخانه‌ی نفیس آن» در نشریه‌ی کیهان فرهنگی، شماره ۱۲۳، سال دوازدهم، مهر و آبان ۱۳۷۴.
۲۰. ریاحی، محمد حسین، مجموعه ارباب معرفت، اصفهان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ ۲، تیر ۱۳۷۵.
۲۱. سلطانزاده، حسین، تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا دارالفنون، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۴ش.
۲۲. شلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه‌ی محمد حسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۲۳. فارسی، ابوالحسن عبدالغافر، تاریخ نیشابور (المنتخب فی السیاق)، منتخب، حافظ ابواسحاق صریغینی، قم، جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه، ۱۴۰۳ق.
۲۴. غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه‌ی دکتر نورالله کسایی، یزدان، ۱۳۶۳ش.
۲۵. کسایی، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۶۳ش.
۲۶. کریمیان سردشتی، نادر، تاریخ کتابخانه‌های مساجد ایران، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۲۷. گدار، آندره، آثار ایران، جلد چهارم، ترجمه‌ی ابوالحسن سروقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ش.
۲۸. مافروخی، مفضل بن سعد، محاسن اصفهان، ترجمه‌ی حسین بن محمد ابی‌الرضا آوی، به اهتمام عباس اقبال، ضمیمه مجله یادگار، ۱۳۲۸ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، صدرا، چ ۹، ۱۳۵۹ش.
۳۰. مهدوی، مصلح‌الدین، تذکره‌القبور (بزرگان و دانشمندان اصفهان)، اصفهان، ثقفی، چ ۲، ۱۳۴۸ش.
۳۱. مهدوی، مصلح‌الدین، زندگینامه‌ی علامه مجلسی، انتشارات حسینیه عمادزاده اصفهان.
۳۲. مهدوی، مصلح‌الدین، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، قم، نشر الهدایه، ۱۳۶۷ش.
۳۳. هدایت، رضاقلی خان، روضه‌الصفای ناصری، طبع تهران.
۳۴. همایی، جلال‌الدین، تاریخ علوم اسلامی، تهران، نشر هما، ۱۳۶۳ش.
۳۵. هنرفر، لطف‌الله، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، اصفهان، انتشارات گل‌ها، ۱۳۷۲ش.
۳۶. هنرفر، لطف‌الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، انتشارات ثقفی اصفهان، چ ۲، ۱۳۵۰ش.

۳۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، البلدان، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳ش.

۳۸. مکی السباعی، محمد، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه‌ی علی شکوئی، تهران، سازمان اسناد فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳ش.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد